



# قانون شرع و جامعه ایران

تاریخ اجتماعی تهران دوره قاجار

نوبوآکی کندو

ترجمه علی محمد آزاده

## قانون شرع و جامعه ایران



قانون شرع و جامعه ایران  
تاریخ اجتماعی تهران دوره قاجار

نوبوآکی کُندو

ترجمه علی محمد آزاده

فهرست‌نویسی پیش از انتشار کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

سرشناسه  
عنوان و نام پدیدآور  
مشخصات نشر  
مشخصات ظاهری  
شابک

کوندو، نوبوآکی، ۱۹۶۶ - م. Nobuaki, Kondo  
قانون شرع و جامعه ایران/ نوبوآکی کُندو؛ ترجمه  
علی محمد آزاده.  
تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۴۰۰.  
۳۵۶ ص: ۵/۱۴×۵/۲۱؛ م.س.  
978-600-8687-75-7

وضعیت فهرست نویسی  
یادداشت

فیبیا  
عنوان اصلی: Islamic law and society in Iran : a social

2016.history of Qajar Tehran,

فقه -- ایران -- تاریخ

Islamic law -- Iran -- History

وقف -- ایران -- تهران -- تاریخ

Waqf -- Iran-- Tehran -- History

اجرای عدالت (فقه) -- ایران

Justice, Administration of (Islamic law) -- Iran

جامعه‌شناسی حقوقی -- ایران

Sociological jurisprudence -- Iran

آزاده، علی محمد، ۱۳۴۹ - مترجم

۲/۱۹۳BP

۳۷۲/۲۹۷

۸۶۵۹۴۷۳

فیبیا

شناسه افزوده  
رده بندی کنگره  
رده بندی دیویی  
شماره کتابشناسی ملی  
اطلاعات رکوردر کتابشناسی



نشر تاریخ ایران (شرکت سهامی خاص)

تهران، خیابان فلسطین، ساختمان ۱۱۰، طبقه سوم، شماره ۳۰۴، تلفن: ۶۶۴۶۳۰۳۰

**قانون شرع و جامعه ایران**

تاریخ اجتماعی تهران دوره قاجار

نوبوآکی کُندو

ترجمه علی محمد آزاده

اجرا: نشر تاریخ ایران

طرح جلد: فریبا علایی چاپ و صحافی: الغدیر

چاپ اول: ۱۴۰۱ تیراژ: ۱۰۰۰

ISBN: 978-600-8687-75-7

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۶۸۷-۷۵-۷

قیمت: ۹۰۰۰۰ تومان

حق چاپ محفوظ و در اختیار نشر تاریخ ایران است.

Website: [nashretarikheiran.com](http://nashretarikheiran.com)

Instagram: [com/nashretarikheiran](https://www.instagram.com/nashretarikheiran)

Telegram channel: @nashretaarikh

Email: [nashretarikheiran@gmail.com](mailto:nashretarikheiran@gmail.com)

## سخن ناشر

نشر تاریخ ایران لازم می‌داند توجه مخاطبان را به این نکته مهم جلب نماید، طبق قرار تعیین، اعلام و تعهدشده طرف قرارداد با ناشر، مسئولیت ویرایش، تصحیح و مقابله متن به عهده صاحب اثر (مؤلف، مصحح و مترجم) است و ناشر بنابر تعهداتش، حق هیچ دخل و تصرفی را در متن ندارد.

نشر تاریخ ایران

این کتاب ترجمه‌ای است از:

**Islamic Law and Society in Iran:**  
*a social history of Qajar Tehran*

**Kondo, Nobuaki**

New York, NY: Routledge  
2017

تقدیم به:

پدرم زنده‌یاد یوسف آزاده و مادرم زهرا مقدم

و همسر





## فهرست مطالب

۱۱	سخن مترجم
۱۷	سخن ناشر اصلی
۱۹	سخن مؤلف
۲۳	مقدمه
۳۵	توسعه تاریخی تهران
۴۷	سازمان قضایی
۷۱	محاكم شرعیه
۹۹	یک دعوی واقعی
۱۲۳	تسجیل و معاملات در محاكم شرع
۱۵۷	موقوفات تهران
۱۹۷	وقف و ملک خصوصی
۲۲۷	تغییر و تحولات موقوفات
۲۵۵	نتیجه گیری
۲۶۳	ضمیمه
۲۷۵	کتابنامه و منابع
۳۰۵	واژه نامه
۳۱۵	پی نوشت ها
۳۵۱	نمایه اشخاص و اماکن



## سخن مترجم

مهم ترین نکته در هر حوزه مطالعاتی از جمله ایران شناسی، ترجمه آثار مربوط در کوتاه ترین زمان ممکن است. این کار دست کم دو فایده دارد: اول، دست یافتن به نتیجه آخرین تحقیقات و استفاده هرچه بیشتر از آن اثر و چه بسا جلوگیری از تکرار یا تولید آثار به نسبت مشابه؛ دوم، نقد و بررسی دقیق تر و تولید آثار انتقادی یا ارتقایافته.

هدف از ترجمه این کتاب با عنوان فارسی «قانون شرعی و تاریخ اجتماعی تهران در دوره قاجار» که حاصل بیست سال تحقیق اسنادی، کتابخانه‌ای و میدانی «پروفیسور نیوآکی کُندو» است؛ نیز دست یافتن به نتیجه یکی از جدیدترین تحقیقات و امکان استفاده هرچه بیشتر فارسی‌زبانان از آن بوده است.

پروفیسور کُندو از محققان شناخته شده ژاپنی در حوزه ایران شناسی با گرایش اسلام‌شناسی و تاریخ دوره مدرن است و این کتاب او را ناشر انگلیسی - امریکایی راتلج در ۲۰۱۷م منتشر کرد. وی در سال ۲۰۲۰م در بخش محققان خارجی حوزه تاریخ همایش بین المللی فارابی به پاس انتشار تمامی آثار پژوهشی‌اش از جمله همین کتاب به‌عنوان چهره برگزیده شناخته شد.

کُندو اندک مدتی پس از چاپ این اثر، در مصاحبه‌ای که در مجله فرهنگ امروز<sup>۱</sup> منتشر شد روند تولید این اثر پر استناد را توضیح داده است. سه محقق جوان حوزه ایران‌شناسی و اسلام‌شناسی،<sup>۲</sup> این کتاب را معرفی و نقد کرده‌اند

۱. رضایی، امید، گفت‌وگو با پروفیسور نیوآکی کوندو، ایرانشناس ژاپنی: به چالش کشیدن دیدگاه رایج تفکر مدرن در ایران قرن نوزدهم، فرهنگ امروز، مهر ۱۳۹۶، شماره ۱۹، صص ۱۴۹-۱۴۸.

2. NOBUAKI KONDO, *Islamic Law and Society in Iran: A Social History of Qajar Tehran*, New York: Routledge, 2017 REVIEWED BY FARZIN VEJDANI in *International Journal of Middle East Studies*, Volume 50 / Issue 2 / May 2018.

Nobuaki Kondo, *Islamic Law and Society in Iran: A Social History of Qajar Tehran*,

این نقدها به نسبت مثبت اند. آنان استفاده این محقق از منابع پرشمار و دست اول در افزایش شناخت مخاطبان از دوره قاجار و کارکرد فقه شیعه در جامعه ایران را ستوده اند؛ اما بعضی از آنان درباره ساماندهی فصول، تحلیل فشرده و گذرا، اشارات وی به آثار دیگر محققان و نتیجه گیری ها، نظریاتی متفاوت ارائه کرده اند. بعلاوه به نظر می رسد شاید بهتر بود کُندو به دلیل استناد مکرر به دفترهای سنگلجی و نوری، دست کم صفحه یا پاراگرافی را به «محرر شرعیات» و نیز «ثبات محکمه شرع» اختصاص می داد. می دانیم این دفترها نه فقط ماحصل کار افراد گوناگون در محکمه بوده است، بلکه در دفترهای شرعی ایران علاوه بر اسناد صاحب دفتر، اسناد تولیدی علمای دیگر نیز به دلایل مذکور در کتاب ثبت می شده است.

به هرروی، بر خلاف تصور اولیه که به نظر می رسید متن کتاب زبانی نه چندان پیچیده و روان دارد؛ اما به دلیل کثرت استنادات و ترجمه انگلیسی مفاد اسناد به جای آوانویسی یا رونویسی عین اسناد و نیز زبان تخصصی اصطلاحات حقوقی و بویژه زبان تخصصی وقف، کار ترجمه وقت گیر و دشوار شد. خوشبختانه پس از خاتمه ترجمه، فرصت آشنایی با آقای امید رضایی، سندشناس و کارشناس اوقاف و نویسنده چندین کتاب و مقاله در حوزه اسناد و موقوفات دوره قاجار، دست داد. هم به پیشنهاد او، یکبار دیگر ترجمه با متن اصلی مقابله شد. نتیجه این کار، روان تر شدن و قابل فهم تر شدن متن فارسی بود؛ چراکه در مواردی به جای عبارات ترجمه ای، اصطلاحات تخصصی جایگزین گردید. ازین رو به فکر ایجاد بخش واژگان تخصصی در این کتاب افتادیم تا محل رجوع و مستندی برای محققان این حوزه باشد. متن

→

London: Routledge, 2017, 196 pp. ISBN 978-0-415-71137-1. Reviewed by Denis Hermann in *Der Islam* Volume 97 Issue 2 October 8, 2020.

Nobuaki Kondo: *Islamic Law and Society in Iran: A Social History of Qajar Tehran*, recensé par Zahir Bhallou © IFAO 2019 Berlin Graduate School Muslim Cultures and Societies, Freie Universität Berlin.

ترجمه با نسخه دست‌نویس اصلی و دیجیتالی دو دفتر اول و دوم سنگلجی مقایسه شد که در «وبسایت زنان قاجار»<sup>۱</sup> به صورت برخط وجود دارد. البته استفاده از نسخه دیجیتالی این دو دفتر نیز کار ساده‌ای نبود. بطوری که می‌توان گفت در طول این ترجمه حداقل بیست بار به آن سامانه مراجعه شد. چراکه در این کتاب برای معرفی سند از روش مرسوم شمارگذاری خطی استفاده شده است و در وبسایت زنان قاجار، از روش معمول برگ شماری. به هر حال با آنکه می‌شد ترجمه‌ای پاکیزه‌تر تقدیم کرد؛ اما به جهت امانت‌داری و رعایت سبک نوشتاری محقق، از کوتاه کردن و استفاده از کلمات و ترکیبات متنوع تر و سلیس تر صرف نظر گردید.

نکته بعدی این‌که محقق در مورد ملکم و حتی اسناد آن، دست به دخل و تصرف زده است. به عبارتی، وی درک و تحلیل خود را از متن ملکم به دست داده که نسبت به متن اصلی مختصر و متفاوت است. به عنوان نمونه در کتاب تاریخ ایران سر جان ملکم، ترجمه‌ای که در اینجا ارائه شده نسبت به ترجمه قدیمی اسماعیل حیرت، متفاوت است، همچنان که در اسناد به متن شاخت هم این تفاوت دیده می‌شود.

در مورد اسناد دست اول غیر چاپی هم به نوعی اختلافاتی دیده می‌شود. البته نمی‌توان ناخوانا بودن خطوط و پیچیده بودن متن اسناد و طولانی بودن زمان تدوین این تحقیق را نادیده و دست کم گرفت. به عنوان نمونه در صفحه ۵۲ کتاب، ذیل سند ۱۶۴ (b هاروارد، ص ۴۴۲)، کلمه سنگسری از توابع بسطام سمنان، سهواً سنگ‌بری قرائت شده است. یا نام اسدالله فرزند آقا موسی تاجر بروجردی به آقااسدالله تاجر بروجردی فرزند آقا موسی تغییر یافته است. همچنین در صفحه ۷۹ متن کتاب، دوسوم سهم دو روستا را آورده است، حال آنکه در متن اصلی به صورت چهار دانگ یک روستا و پنج دانگ یک مزرعه و چهار دانگ و نیم روستای دیگری آمده است. نیز در صفحه ۸۶ کتاب،

ذیل سند (a7 هاروارد، ص ۱۷) میرزا علیتقی به صورت میرزا محمدتقی قرائت شده است. در همین صفحه ذیل پی نوشت ۳۲، مبلغ ۱۷۷ تومان به ۱۷۵ تومان و در صفحه ۸۸، سوم رمضان ۱۲۵۲ به صورت ۱۲۵۴ گزارش شده است. در صفحه ۹۰ کتاب ذیل سندی به تاریخ ۲۸ جمادی الثانی ۱۲۹۱، ۱۵ تومان را ۵۰۰ تومان قرائت کرده اند. هرچند مقابله ترجمه با این چند دفتر هم گویای دخل و تصرف و تمایل محقق محترم به خلاصه گویی است حال آنکه چنین اقدامی می تواند بر انتقال مفهوم کامل، تأثیری منفی برجای گذارد.

منتقدان این کتاب، یکی از نوآوری های کُندو را استفاده فراوان از جداول دانسته اند که برای فهم بهتر موضوع ارائه شده است؛ اما بعضی از جداول به روشنی و به تفصیل تحلیل نشده اند. از آن مهم تر اینکه جمع و درصد گیری جداول هم با منطق ریاضی سازگار نیست. ازین رو برای حفظ امانت داری علاوه بر ارائه ارقام محاسبه شده محقق، ترجیح داده شد در موارد ناصواب از علامت پرسش استفاده شود به علاوه، با استفاده از قلاب [ ] جمع و درصد محاسبه شده صحیح نیز ارائه گردد. به عنوان نمونه می توان به جدول ۱۷-۵ اشاره کرد. در طرح ارائه شده مسجد قدیم جمعه در فصل هشتم، صفحه ۱۴۸ توسط محقق، نام یکی از شبستان ها، شبستان گرمابه آمده که با توجه به متن، به صورت شبستان گرمخانه اصلاح شد.

همچنین یادآور می شود کُندو در فصل هشتم، صفحه ۱۵۳، «حاکم» را معادل «شاه» گرفته است، حال آنکه بنا به تحقیقات شاخت در کتاب آشنایی با فقه اسلامی و نیز عبارات و قواعد فقهی «الحاکم ولی من لا ولی له» و نیز «الحاکم وارث من لا وارث له» و نیز «الحاکم ولی الممتنع»، این احتمال هم وجود دارد که «حاکم» به معنی «قاضی» باشد، خاصه که این سند زیر نظر علما تنظیم شده و در صورتی که منظور دیگری داشتند، می توانستند از لغت شاه و سلطان استفاده کنند.

در پایان لازم می دانم از آقای جعفر گلشن روغنی که ویرایش فنی متن

ترجمه شده اولیه را برعهده داشتند و نیز آقای امید رضایی که علاوه بر مقابله هم‌زمان، ویرایش تخصصی متن را انجام دادند و سیدصادق فیض که ویراستاری بخش آخر را برعهده گرفتند و هم‌چنین از همکارانم در دفتر ادبیات انقلاب اسلامی حوزه هنری بویژه آقایان محمد کریمی، محمد مهدی موسی خان، میرزاباقر علیان نژاد، یحیی آریا بخشایش، که با پیگیری و راهنمایی‌های خود مرا بر ادامه کار تشویق کردند؛ صمیمانه قدردانی نمایم. هم‌چنین لازم است از نشر تاریخ ایران، بویژه استاد ارجمند سرکار خانم دکتر منصوره اتحادیه و سرکار خانم سعاد پیرا تشکر نمایم. مسلماً این ترجمه خالی از اشکال نیست و مسئولیت لغزش‌های آن با مترجم است.

علی محمد آزاده

mohamadazadeh@yahoo.com





## سخن ناشر اصلی

رابطه بین شرع و جامعه، موضوعی مهم در جمهوری اسلامی ایران است. هرچند که شرع عنصر اصلی در جامعه سنتی ایران بود؛ ولی تاکنون تحقیقی جامع در این باره صورت نگرفته است. این بخاطر تجددخواهانی است که بر نبود سلطه شرع در شئون سیاسی - اداری قرن سیزدهم قمری تاکید داشتند. با وجود این، یک نظام حقوقی وجود داشت و شرع اسلامی بخش زیربنایی از آن را تشکیل می‌داد.

این نخستین کتابی است که با موضوع رابطه بین شرع و جامعه ایرانی در قرن سیزدهم به نگارش درآمده است. نویسنده، به جلوه‌های حقوقی جامعه شهری ایران پرداخته و دورنمایی از زمینه اجتماعی ایران را در اختیار می‌گذارد که بر اساس آن حوادث سیاسی در طول آن رخ داد و بر همین اساس به این موضوع می‌پردازد که اصحاب قدرت از قانون در جامعه چگونه استفاده کردند و مردم در زندگی خود چطور از آن بهره بردند و چگونه قانون جامعه را قاعده‌مند کرد. بر اساس منابع فراوان اسنادی شامل اسناد دیوانی و قباله‌های تهران دوره قاجار، این کتاب نشان می‌دهد که چگونه شرع در جامعه ایرانی نقش‌آفرینی کرد. نظام قضایی، محکمه شرع و وقف همگی به طور کامل بررسی شدند و خصوصاً به نقش علما به عنوان نخبگان حقوقی در سراسر کتاب پرداخته شده است. کتاب، نظرهای ملی‌گراها و تجددخواهان قرن سیزدهم ایران را به چالش کشانده و مدل خاصی را با توجه به ارتباط بین شرع و

جامعه ایرانی ارائه می‌کند که تا حدودی با مدل عثمانی آن تفاوت دارد. با ارائه شناختی از این نظام حقوقی در ایران و نقش آن در جامعه، کتاب بر آن است تا پایه و چارچوبی برای ارزیابی علل و نتایج اصلاحات مدرن و نیز گفتمان تجددخواهان پیشنهاد دهد.

نوبواکی کُندو، استاد مؤسسه مطالعات زبانها و فرهنگهای آسیا و آفریقا، دانشگاه مطالعات خارجی توکیو است. علایق تحقیقاتی اش، تاریخ اوایل ایران مدرن و جوامع فارسی‌زبان است. مهم‌ترین اثر چاپ شده اش *اسناد فارسی*<sup>۱</sup> (روتلیج، ۲۰۰۳) است.

۱. این کتاب در سلسله انتشارات بنیاد پژوهشهای آستان قدس رضوی با عنوان *اسناد فارسی: تاریخ اجتماعی ایران و توران از سده دهم تا چهاردهم هجری*، ترجمه علی آخشینی در سال ۱۳۹۶ منتشر شده است.

## سخن مؤلف

مراتب تشکر قلبی و صمیمانه خود را در ابتدا نثار دو استاد راهنمای خود، استاد مرحوم تسوگای تاکا ساتو (Tsugitaka Sato) و استاد ماساشی هاندا (Masashi Haneda) در دانشکده تحصیلات تکمیلی می‌کنم که اصول تاریخ اسلامی و ایران را به من آموزش دادند. هرچند که کار تحقیقاتی برای نگارش این کتاب را پس از اتمام رساله دکترایم شروع کردم ولی با وجود این، در کتاب نفوذ این دو استاد را می‌توان مشاهده کرد. من بی‌نهایت متأسفم که نتوانستم در زمان حیات استاد ساتو کتاب را به ایشان اهدا کنم. هم چنین هرچند که استاد شوهی کوماکی (Shohei Komaki)، استاد راهنمای رسمی من نبودند، راهنمایی و همکاری او به عنوان متخصص تاریخ قاجار برای من بی‌نهایت ارزشمند بود و سخاوتمندانه چند منبع مهم را در اختیار من قرار دادند.

مطالعه و بررسی اسناد مربوط به محکمه شرع را از سال ۱۹۹۷، با آشنایی با کریستف ورنر (Christoph Werner)، همکار بزرگوارم، آغاز کردم. دانش عمیق و مطالعات بی‌نظیر او درباره اسناد قاجار، به طور کامل زندگی علمی مرا تغییر داد. علاوه بر این راهنمایی او باعث شد تا به اسناد در ایران دسترسی پیدا کنم. از دوستی و همکاری طولانی مدت با او واقعاً قدردانی می‌کنم.

از امید رضائی که مرا در زمینه سندشناسی فارسی راهنمایی کرد، تشکر ویژه‌ای دارم. سالها با یکدیگر در اسنادی که چارچوب این کتاب را شکل

داده‌اند، به جستجو پرداختیم. او همیشه و از سر لطف مطالب جدید و مرتبط با اسناد فارسی را که پیدا می‌کند، در اختیار من قرار می‌دهد. واقعاً هم دو دفتر محکمه شرع که در سراسر کتاب توضیح داده شدند توسط او پیدا شدند و بدون حمایتش نمی‌توانستم این کتاب را به اتمام برسانم.

در زمان تحقیقات میدانی‌ام در ایران از طرف همکاران بسیاری حمایت شدم که در اینجا قادر به ذکر نام همگی‌شان نیستم. محمدرضا نصیری و منصور صفت‌گل همیشه مرا به گرمی پذیرفته و حمایت همه‌جانبه‌ای از من به عمل می‌آوردند. هاید لاله که نقش بسیار مهمی در تحقیقات داشت مرا به سازمان اوقاف معرفی کرد. پرسنل شاغل در بخش اسناد سازمان اوقاف و دانشگاه تهران، موزه گلستان، اسناد ملی ایران و مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران همیشه کمک حال من بوده و در پیشرفت تحقیقات موثر بودند. بهمن بیانی، سیروس سعدوندیان و محمدحسن طباطبایی این فرصت را به من دادند تا اسناد چاپ نشده‌ای را که دسترسی به آنها نداشتم، مطالعه کنم.

هم چنین مایلم که از همکاران ژاپنی‌ام مخصوصاً، آنهایی که در دانشگاه متروپلیتن توکیو و مؤسسه خودم، مؤسسه مطالعات زبانها و فرهنگهای آسیا و آفریقا (ILCAA) مشغول به کار هستند، تشکر نمایم. آنها به من اجازه دادند تا برای تحقیقات میدانی‌ام در ایران و جاهای دیگر به مرخصی‌های مکرر و طولانی بروم.

هم چنین تشکر ویژه‌ای از کازونو موریموتو (Kazuo Morimoto) دارم که مقدمات اولین مسافرت طولانی‌ام به ایران در سال ۱۹۹۸ را برایم فراهم کرد. باید این نکته را متذکر شوم که سفرهای تحقیقاتی‌ام توسط پروژه‌های تحقیقاتی مختلفی حمایت شد که توسط انجمن ژاپنی ارتقاء علم (KAKENHI Grant) (Number 15710179, 23320149, 15H01895) و آی.ال.سی.ا.ا. (ILCAA) تأمین مالی شد. مایلم که تشکر خود را از برنارد هورکاد (Bernard Hourcade) که به پروژه تحرک انسانی و هم‌زیستی مشترک قومیتها در جوامع شهری

خاورمیانه» ما ملحق شد و دانش عمیق خود در باره تهران را در اختیار ما گذاشت، اعلام کنم. او هم چنین مهربانانه نقشه‌های بسیار عالی تهران برای این کتاب را در اختیارم گذاشت.

مایلم که تشکر خود را از همکاران بریتانیایی‌ام که در تکمیل این کتاب با من همکاری کردند را اظهار کنم. از ادموند هرزیگ (Edmund Herzig) برای فرصت تحقیقاتی در آکسفورد که بخش‌هایی از این کتاب را در آنجا تکمیل کردم، در اختیارم گذاشت، تشکر می‌کنم. ظهیر بهاللو (Zahir Bhalloo) با حوصله یادداشتهای اولیه مرا خواند و بمن کمک کرد تا متن را نهایی کنم. من هم چنین مایلم که تشکر خود را از ونسا مارتین (Vanessa Martin) و هیئت سردبیری انجمن سلطنتی آسیایی بریتانیای کبیر و ایرلند بخاطر کمک و دلگرمی‌شان در انتشار این کتاب اعلام کنم. طبیعی است که مسئولیت تمام اشتباهات در این کتاب متوجه من است.



## مقدمه

قانون، موضوع اصلی در تاریخ ایران مدرن محسوب می‌شود. بسیاری از محققان به چگونگی ورود قانون غربی و یا مدرن به ایران پرداخته‌اند. در قرن چهاردهم قمری روشنفکران ایرانی هم چون میرزا ملکم خان و میرزا یوسف خان مستشارالدوله ادعا کردند که نسخه غربی قانون برای مدرنیزه کردن ایران، حتمی و لازم است. اصطلاح قانون خود بیانگر غربی بودنش بود.<sup>۱</sup> این روشنفکران اصرار داشتند که هیچ قانونی در ایران و چیزی که بتواند سد راه بی‌عدالتی صاحب‌منصبان ظالم شود، وجود ندارد. این حقیقتی روشن بود که ادعایشان باعث ورود مفهوم تازه قانون به ایران شد و راه را برای انقلاب مشروطه ایران و برقراری مشروطیت سال ۱۹۰۶م/ ۱۳۲۴ق هموار کرد. از سوی دیگر نیز بخوبی مشخص شد که شیخ فضل‌الله نوری، مجتهد برجسته دوره انقلاب مشروطه، طالب مشروطه مشروعه بود. ادعایش در ماده دوم متمم قانون اساسی مصوب اکتبر سال ۱۹۰۷م/ ۱۳۲۵ق منعکس شد.<sup>۲</sup>

هرچند که گفتمان‌های مدرنیستها و اسلام‌گراها بخوبی مورد استناد و بررسی قرار گرفته و اسنادش هم موجود است، ولی ساختار واقعی نظام قانونی و قضایی قرن چهاردهم که ارتباط بسیار نزدیکی با شرع هم دارد، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. محققان بیشتر به اصلاحات در چارچوب مدرنیزه کردن از خود علاقه نشان داده‌اند، تا نظام اصلی قضایی. با وجود این، حتی اگر مرحله ورود مفاهیم و نهادهای غربی را کند و آرام به حساب آوریم، ضرورتاً



به این معنی نیست که در ایران عصر قاجار اصلاً، قانون یا نظام اساسی قضایی وجود نداشته است. به علاوه، از نظر مسلمانان، شرع هرگز قدیمی و منسوخ نمی‌شود زیرا، قانون خداست. طبیعی است که امروزه بیشتر کشورهای مسلمان ادعا می‌کنند که قانون‌شان بر اساس شرعی یا شریعت است، حتی اگر سیاستهای واقعی‌شان با هم متفاوت باشد. حتی قانون مدنی ایران که در سالهای (۱۳۰۷-۱۳۱۵ ش) در دوران رژیم سکولار پهلوی تصویب شد، از کتب فقه شیعی به عنوان منابع اصلی استفاده کرد.<sup>۳</sup> بنابراین، حتی اگر منظر و نگاه مدرنیسم هم غلبه داشته باشد، بدون شناخت کافی و جامع از نظام قانونی و قضایی‌شان، مشکل بتوان از پس شناخت و درک گفتمان‌های مدرن‌گراها برآمد. این کتاب به بررسی رویهٔ قانونی در جامعه شهری ایران قرن سیزدهم-چهاردهم می‌پردازد. این که چگونه شرع به کار برده شد و بر جامعه شهری تأثیر گذاشت. تمرکز اصلی کتاب نظام محکمه و وقف یا همان اهدای خالصانه اسلامی است. مکان، تهران، پایتخت ایران در دوران قاجار است. کتاب بجای تحلیل گفتمان سیاسی بر اساس منابع اسنادی بنیان یافته است و به توصیف ایران قرون سیزدهم-چهاردهم از چشم‌انداز تاریخ اجتماعی و رابطه بین مدرنیته و نظام اسلام از منظر حقوقی، می‌پردازد. حکومت ایران در قرن سیزدهم-چهاردهم، تازه اصلاح نظام قضایی را شروع کرده بود و این اصلاح همان پرسش‌هایی را که امروزه درباره رابطه نهادهای مدرن با شریعت همچنان باقی مانده، مطرح نمود. همانند دیدگاه مشابه مردم‌شناسانه که جوامعی بجز جوامع غربی را بررسی می‌کند، از رویکرد مدرن‌گرایانه اجتناب کردم و به سادگی به شریعت به عنوان نظام حقوقی متفاوت از قانون غربی توجه کرده‌ام: اصلاً در این کتاب به «پیشرفت» یا «عدم پیشرفت» مدرنیزاسیون در ایران نپرداخته‌ام.

در سالهای اخیر، مطالعات شرع و رابطه‌اش با جامعه به خوبی شکل گرفته و رشد قابل ملاحظه‌ای داشته است. مجله علمی تخصصی (Islamic law and

(*society and society*) که از سال ۱۹۹۴ منتشر می‌شود و دو کتاب (*studies in Islamic law*) و (*Harvard series in Islamic law*) که شامل بیش از چهل مجموعه کتاب، از جمله این مطالعات است. به ویژه برای موضوعاتی هم چون امپراتوری عثمانی و به طور خاص آنهایی که به سوابق محکمه شرع پرداخته‌اند، بخوبی اسناد گردآوری شده است.<sup>۴</sup> با وجود این، در باره ایران بنا به دلایل متعدد مطالعات و آثار بسیار کمی منتشر شده است. در این زمینه، سه مشکل وجود دارد:

اول اینکه، محققان در مقایسه با فقه اهل سنت، از توجه به فقه شیعه مدتها غافل بودند. وقتی کسی در باره شرع کتاب معتبر *دییاجه‌ای بر شرع*<sup>۱</sup> اثر یوزف شاخت (Joseph Schacht) را مطالعه می‌کند، در باره فقه شیعه مطلب چندانی پیدا نمی‌کند، چه رسد به این که بخواهد راجع به مذهب جعفری (مذهب شیعه) مطلبی پیدا کند.<sup>۵</sup> هرچند تشیع دوازده امامی و مکتب فقهی شیعه، پس از شکل‌گیری و ظهور امپراتوری صفویه در غرب آسیا فراگیر شد ولی مطالعات مربوط به فقه شیعه پس از فقه اهل سنت جای می‌گیرد. کتابشناسی مفصل سید حسین مدرسی طباطبایی بی‌اندازه در این باره موثر است اما در باره فقه شیعی مطالب چندانی ندارد.<sup>۶</sup> آثار محققانی همچو نورمن کالدر (Norman Calder)، دوین استوارت (Devin J. Stewart) و رابرت گلیو (Robert Gleave) بسیار مهم هستند ولی آنها به چارچوب نظری فقه شیعی پرداخته‌اند و به شرح جزئیات کاری ندارند.<sup>۷</sup>

دو اینکه، ایران‌شناسان بنامی نظیر ای. ک. اس لمبتون (Ann K. S. Lambton) و ویلم فلور (Willem Floor) چندان به اهمیت شریعت جامعه ایرانی توجهی نداشته‌اند. آنها بر تمایز بین دو حوزه قانونگذاری، شریعت و عرف در ایران تأکید کرده‌اند. مادامی که قاضی، محکمه شرع را بر اساس شریعت اداره

۱. این کتاب (*An Introduction to Islamic Law*) توسط اسدالله نوری ترجمه و توسط نشر هرمس در سال ۱۳۸۸ش منتشر شد.

می‌کند، یک مقام سیاسی بر محکمه عرف ریاست دارد که گاهی هم از آن به محکمه مظالم (محکمه‌هایی برای عرضحال) نام برده می‌شود که از دوره ساسانیان اقتباس شده بود. در ادامه این دو مورخ بر موقعیت مسلط و برتر محکمه عرف بر محکمه شرع تاکید می‌نمایند.<sup>۸</sup> تمایز بین این دو محکمه، به شکلی گسترده با کمی تفاوت در شناخت‌شان از رابطه بین آنها، مورد قبول محققان دیگر قرار گرفت.<sup>۹</sup> کتاب، این نظریه دو محکمه‌ای را زیر سؤال برده و تفسیر جدیدی از نظام قضایی قاجاریه ارائه می‌دهد. ما میزان تأثیر شریعت و محکمه شرع بر مقام‌های سیاسی را خواهیم دید.

نکته سوم به منابع مربوط می‌شود. در گذشته، بایگانی‌های ایران خوب سازماندهی نشده بود و دسترسی به آنها مخصوصاً برای محققان غیرایرانی محدود و مشکل بود. در اواخر دهه ۱۹۹۰ با چاپ و انتشار چندین سند مربوط به محکمه شرع توسط محققان ایرانی، اوضاع تغییر کرد. خواندن آن اسناد کار آسانی نیست ولی امکان تحقیقات جدید را افزایش داده است؛ این تحقیق بر اساس پانزده سال تحقیق میدانی در بایگانی‌های ایران صورت گرفته است.

این کتاب به شناخت و درک ما از نقش سیاسی علمای ایرانی در قرون سیزدهم و چهاردهم یاری می‌رساند، موضوعی که محور بحث پژوهشگران انقلاب مشروطه ۱۹۰۶م/۱۳۲۳ق و انقلاب اسلامی ۱۹۷۹م بوده است. با وجود این، مطالعات قبلی، اساساً، علما را به عنوان روحانیون یا رهبران دینی معرفی کرده است.<sup>۱۰</sup> نقش آنها به عنوان فقیه، از مهم‌ترین نقش‌هایی که به ندرت مورد بحث قرار گرفته، احتمالاً، شاید بدین خاطر بوده باشد که محققان قبلی منبع کافی برای چنین تحقیقاتی در اختیار نداشته و یا درک کاملی از نظام حقوقی آن دوران نداشتند.

در حالی که آثار بسیاری راجع به تاریخ تهران به زبان فارسی منتشر شده، آثار معدودی به زبانهای غربی نگارش یافته است. به طور خاص، این کتاب کاملاً به موضوع/وقف تهران اختصاص یافته است. با اینکه/وقف نقش بسیار

مهمی در مطالعات تاریخی شهرهای مسلمانان ایفاء می‌کند،<sup>۱۱</sup> باین حال، توجه بسیار کمی به آنها در توسعه و شکل‌گیری شهرهای ایرانی شده است. شاید گفته شود که موضوعات اصلی این کتاب، نظام محکمه و اوقاف با یکدیگر ارتباطی نداشته و به اوقاف باید به عنوان موضوعی مستقل نگریسته شود. به نظر من، این بدین علت است که بنظر می‌رسد، اسناد وقفی نسبت به دیگر اسناد محکمه، ماندگاری بیشتری داشتند. نتوانستم که به‌جز مجموعه بزرگ وقف‌نامه‌ها، اسناد حقوقی دیگری پیدا کنم. باوجوداین، وقتی کسی اسناد محکمه شرع را بررسی می‌کند، متوجه می‌شود که وقف قراردادی حقوقی است که در دفاتر محکمه به ثبت رسیده است. به عبارت دیگر، از نقطه نظر حقوقی تفاوتی بین وقف با دیگر قراردادهای شرعی وجود ندارد. به علاوه بایگانی‌ها اسناد زیادی در رابطه با دعاوی وقفی نگاهداری کرده‌اند که در باره پرونده‌های واقعی قرن سیزدهم-چهاردهم اطلاعاتی به ما ارائه می‌کنند: سه پرونده در این کتاب بررسی خواهد شد.

### آثار قبلی:

نخستین مقاله در باره نظام قضایی قاجاریه را ویلم فلور در سال ۱۹۸۳ منتشر کرد که در پی آن محققان زیادی همچنان دنباله‌رو نظرات او از جمله توصیف وی از دو محکمه شرعی و عرفی هستند. به‌قول او در حالی که محکمه شرعی یا محکمه مذهبی به ریاست علما کلاً به امور مدنی بویژه به احوال شخصیه می‌پرداختند، محکمه‌های عرفی به ریاست یکی از مقام‌های دولتی به اموری هم چون ارتکاب جرایم علیه حکومت، شورش، اختلاس، دزدی و مستی، می‌پرداخت.<sup>۱۲</sup> مشکل اینجاست که استدلال‌های فلور به طور عمده بر منابع اروپایی استوار بودند که گاهی واقعاً جانبدارانه بودند و مصداقش را می‌توان در مقاله نظام قضایی «سکولار» سلسله صفویه مشاهده کرد.<sup>۱۳</sup> باوجوداین، باید به این نکته توجه کرد که وقتی منابع اصلی فارسی قرن سیزدهم مورد بررسی قرار

می‌گیرند، اصطلاح محکمه عرف به ندرت دیده می‌شود. مفهوم محکمه عرف به عنوان محکمه غیرمذهبی در شرع وجود ندارد یا حتی ممکن است اصطلاح عرف از قانون شرعی ریشه گرفته باشد، ولی با عرف یا حقوق عرفی و یا هر نوع قانونی غیر از شرع، سروکار دارد. در حقیقت، پس از قرن یازدهم حقوق عرفی که در محکمه عرفی اجرا می‌شدند بر منابع اروپایی تکیه کرد که کارکردی غیرمذهبی داشتند.<sup>۱۴</sup> درست است که در متمم قانون اساسی،<sup>۱۵</sup> قدرت قضایی بین دو محکمه شرع (شریعت) برای امور شرعی و محکمه‌های عدلیه برای امور عرفی (عرفیات) تقسیم‌بندی شده بود، اما ناشی از اصلاح قضایی نیمه دوم سیزدهم-چهاردهم بود. تحلیلی از اسناد فارسی، شناخت بهتری از نظام پیچیده قضایی ایران دوره قاجاریه ارائه می‌کند. اشنایدر (Irene Schneider) هم در باره صلاحیت محمدباقر شفتی، مجتهد اعلم اصفهان، مقاله‌ای منتشر کرد. باوجوداین، مقاله نه بر اساس اسناد، بلکه بر اساس زندگی‌نامه‌های داستان‌وار علما نوشته شد.<sup>۱۶</sup>

رساله کریستف ورنر در باره تبریز، که در سال ۲۰۰۰ منتشر شد، گامی مهم در این زمینه است.<sup>۱۷</sup> این تحقیق بر اساس اسناد متعدد حقوقی فارسی انجام گرفته است و به جامعه شهری تبریز از نیمه دوم قرن دوازدهم تا نیمه اول قرن سیزدهم قمری مربوط می‌شود. ورنر سه نکته را یادآوری می‌کند:

اول: او سلسله مراتب محکمه‌های شرع قاجاریه، ارائه شده توسط سرجان ملکم (یعنی: شیخ‌الاسلام - قاضی - ملا) که در منابع قدیمی مکرر از آنها نام برده شده را رد می‌کند. به جای آن، ادعا می‌کند که به تمام علمای تبریز مجتهد گفته می‌شد و برخلاف گفته‌های ملکم، آنها از حکومت کمک‌هایی دریافت می‌کردند.<sup>۱۸</sup>

دوم: وظیفه اصلی محکمه شرع، محضرداری بود تا قضاوت. تمام علمای برجسته اسناد حقوقی را امضاء می‌کردند.<sup>۱۹</sup>

سوم: او از اساس این تمایز بین محکمه شرعی و عرفی را قبول ندارد و به

نقد می‌کشد. ورنه ترجیح می‌دهد که این تمایز را به صورت شرع و «قوه مجریه» طبقه‌بندی کند.<sup>۲۰</sup> تحلیل او در باره تغییر شکل/وقاف نیز کاملاً قابل توجه است. کتاب جدید او به/وقاف در ایران قرون چهاردهم تا بیستم می‌پردازد و دیدگاه جدیدی در باره جنبه‌های فرهنگی، مذهبی و اجتماعی وقف ایرانی ارائه می‌کند، هرچند به شهر و یا دوره خاصی اشاره نکرده است. این کتاب سعی می‌کند تا از پرونده‌های گوناگون موجود از شهرها و دوره‌های مختلف و با استفاده از منابع متعدد و گسترده در دفاتر محکمه، برخی از عقاید و نظریات را به اثبات برساند. مقاله اخیر ظهیر بهاللو به مجموعه‌ای از دعوای شرعی پرداخته و تأثیر اصولی‌ها بر نظام محکمه شرعی قاجاریه را مورد بررسی قرار می‌دهد، ولی تمام نظام محکمه‌ای را نمی‌تواند پوشش دهد.<sup>۲۱</sup> مقاله دیگری از نانوفومی آبه (Naofumi Abe) نیز به اختلاف ملکی در آذربایجان قرن سیزدهم پرداخته است ولی او به موقعیت مالک توجه کرده تا نظام قضایی.<sup>۲۲</sup> رساله هادی عنایت با موضوع اصلاح حقوقی بین سالهای ۱۹۰۶م/۱۳۲۴ق تا ۱۹۴۱م/۱۳۶۰ق به شکل مستقیم به قرن سیزدهم نپرداخته است ولی فشرده مفیدی در باره این موضوع ارائه می‌کند.<sup>۲۳</sup>

در مقابل، نویسندگان ایرانی در تحقیقات خود در باره نظام قضایی ایران، به نظام قضایی قاجاریه اشاره می‌کنند. برای مثال در سال ۱۹۷۲م، محمد محیط طباطبایی در مقاله طولانی در باره تاریخ قضایی ایران به کارکرد محضری محکمه شرع اشاره می‌کند.<sup>۲۴</sup> در سال ۱۹۹۴م احمد مهدوی دامغانی دو مقاله کوتاه در باره نظام قضایی قاجاریه منتشر کرد. چارچوب‌بندی محکمه شرع و عرفی‌اش با تقسیم‌بندی فلور تفاوت چندانی ندارد، اما او بدون این که به اسناد شرعی برای دفاع از نظریه‌اش استناد کند، نقش محکمه شرع را همان محضر یا دفترخانه می‌داند.<sup>۲۵</sup>

پس از سالهای ۱۹۹۰، اسناد محکمه شرع شامل وقف‌نامه‌ها توجه بیشتر محققان ایرانی را به خود جلب کرد. مجله وقف، میراث جاویدان (۱۹۹۳-) به

چاپ مقالات متنوع در ارتباط با وقف و اسناد مربوطه ادامه می‌دهد. در این میان هرچند که ورنر در بررسی جنبه‌های رسمی اسناد شرعی قاجار به عنوان فرد پیشتاز شناخته شده است<sup>۲۶</sup>، امید رضائی به بررسی جامع‌تری پرداخت. او در کتاب خود با عنوان *درآمدی بر اسناد شرعی دوره قاجار* از مثالهای متعددی برای تبیین انواع اسناد شرعی استفاده می‌کند تا خواننده موضوع را بهتر درک کند.<sup>۲۷</sup> هم‌چنین بر اساس شناخت عمیق‌اش از رابطه سندشناسی ایران با محکمه شرع در تهران، شیراز و بوشهر، مقالاتی نگاشت.<sup>۲۸</sup> تعدادی از مقالاتش در قالب کتابی دو جلدی به چاپ رسیده‌اند.<sup>۲۹</sup> علاوه براین، حسینی اشکوری در کتابش، اسناد شرعی را با توجه به نسخه‌برگردان آنها طبقه‌بندی کرده ولی سندشناسی نکرده است.<sup>۳۰</sup> بنابراین کتاب حاضر مرهون این تحقیقات است. باوجوداین، در این پژوهش‌ها نظام محکمه‌ای و یا جامعه ایرانی آن دوره به طور کامل بررسی نشده و هیچ کدام از آنها از دفاتر محاکم استفاده نکرده‌اند.

در این ارتباط انتشار دو دفتر ثبت محاکم در سالهای ۲۰۰۶م و ۲۰۰۸م، یکی توسط منصوره اتحادیه و سعید روحی و دیگری از سوی امید رضایی وضعیت را تغییر داده‌اند که در باره آنها در ادامه بحث خواهد شد. چند تن دیگر از محققان ایرانی نیز در زمینه پژوهش در باره محکمه‌های شرعی ابراز علاقه کرده‌اند. محمدحسین سلیمانی تلاش کرد تا در مورد محکمه‌های شرعی شهر مشهد پژوهشی کند، هر چند او موفق نشد دفتر ثبت هیچ محکمه‌ای را به دست آورد.<sup>۳۱</sup> مسعود حبیبی مظاهری چند سند از دفاتر ثبت محکمه شرعی را که در اوایل قرن چهاردهم گردآوری کرده بود، منتشر کرد با وجود این تحلیلی مفصل از آنها به عمل نیاورده است.<sup>۳۲</sup>

برای تاریخ تهران قرن سیزدهم-چهاردهم قمری، کتاب مجموعه مقالات به کوشش شه‌ریار عدل و برنارد هورکاد هنوز هم مهم‌ترین اثر چاپ شده به زبان غربی به حساب می‌آید. کتاب شامل مقالاتی مهم درباره تهران دوره قاجاریه به قلم جان گرنی (John Gurney)، جنیفر اسکارس (Jennifer Scarce) و

منصوره اتحادیه است.<sup>۳۳</sup> با وجود این، در مقایسه با اصفهان صفویه، تهران قاجاریه ظاهراً نتوانسته توجه بیشتر محققان خارج از ایران را به خود جلب کند.

در مقابل، کتب بسیاری با موضوع تهران قاجاریه در ایران، منتشر شده است. کتاب حسینی بلاغی، تاریخ جامعی از تهران است که مخصوصاً اطلاعات زیادی در باره اماکن مذهبی و اوقاف ارائه می‌کند.<sup>۳۴</sup> دو کتاب چشمگیر تاریخ اجتماعی تهران و تهران قدیم جعفر شهری نیز شایسته توجه است.<sup>۳۵</sup> آنها توصیفی، دایره‌المعارفی و حاوی اطلاعات مربوط به تهران در هر زمینه‌ای هستند.

مجموعه مقالات منصوره اتحادیه را می‌توان جزو مهم‌ترین پژوهشها در زمینه تاریخ اجتماعی تهران دانست. او به موضوعات متنوعی هم چون توسعه شهری، ساختار بازار بزرگ، موقوفات، جنایات و مجازات، و زنان پرداخته است.<sup>۳۶</sup> وی در کتابش چندین منبع اصلی تازه را گردآوری و تحلیل نموده است. در این ارتباط، او پیشگام بررسی تاریخ اجتماعی سند محور محسوب می‌شود. واقعاً برخی از اسناد استفاده شده در این اثر، برای اولین بار از سوی ایشان دیده شده است. پژوهش برجسته دیگر، جغرافیای تاریخی تهران اثر محسن معتمدی است.<sup>۳۷</sup> بر اساس نقشه‌های قدیمی و سرشماری‌های ابنیه، تا حد امکان اطلاعات جغرافیایی فراوانی از منابع چاپ شده در باره تهران دوره قاجار جمع‌آوری کرده است. به علاوه، بنیاد ایران‌شناسی اخیراً، چند پروژه مربوط به تهران را به اتمام رسانیده و از دل آن سه جلد حجیم: *امامزاده‌ها و تربت برخی از پاکان و نیاکان، تهران، شمیران و شهرری* (۲۰۰۹م)، *مساجد دیرینه سال تهران* (۲۰۰۹م) و *سرگذشت بازار بزرگ تهران* (۲۰۱۰م) را منتشر کرده است.<sup>۳۸</sup> آنها همچنین بر اساس تحقیق میدانی و منابع مکتوب، به تعدادی از اسناد مربوط به بناهای تهران نیز در این کتابها توجه کرده‌اند، هرچند که آنها را مورد تحلیل قرار نداده‌اند.



در سالهای اخیر پژوهشهای اسناد فارسی و تاریخ تهران به طور مشخصی در ایران رشد قابل ملاحظه‌ای داشته است. با این حال، این پژوهشها بخوبی تلفیق نگردیده است و نتایج آن با محافل دانشگاهی بین‌المللی در میان گذاشته نشده است، از اینرو این کتاب در صدد است تا شکاف موجود را پر کند.

## منابع

مهم‌ترین اسناد فارسی شکل‌دهنده این کتاب، دفاتر ثبت محکمه شرعی هستند که اخیراً پیدا یا منتشر شده‌اند.<sup>۳۹</sup> هرچند پژوهشهای تاریخ عثمانی نشان می‌دهد که چگونه از این دست منابع برای تحقیق تاریخ اجتماعی مفید است ولی در زمینه مطالعات تاریخ ایران چنین چیزی اتفاق نیفتاده است. از سه دفتر ثبتی که مربوط به سالهای ۱۸۶۷م/۱۲۸۳ق تا ۱۸۸۹م/۱۳۰۶ق است و در اینجا مورد استناد قرار گرفته‌اند، دو جلد مربوط به سید محمدصادق سنگلجی و یک جلد متعلق به شیخ فضل‌الله نوری است. کاری دشوار خواهد بود تا کارکرد کامل محاکم شرعی را از این اسناد فردی دریابیم، چراکه این اسناد مربوط به موارد شخصی است. با وجود این، دفاتر ثبت محاکمی که در این مطالعه مورد استفاده قرار گرفته‌اند شامل بیش از شش هزار داد و ستد است. این نشان از کارکرد عمومی محکمه شرع دارد که در بخشهای سه و پنج کتاب به طور کامل بررسی شده‌اند.

دومین گروه اسناد مربوط به اسناد موقوفات اشخاص به‌ویژه اسناد چاپ شده آرشیو سازمان/وقف در تهران است که از اسناد گرانبها و ذی‌قیمت تاریخی ایران محسوب می‌شوند. فهرست مقدماتی اسناد تهران توسط عمادالدین شیخ‌الحکامی در سال ۲۰۰۰ در مجله وقف، میراث جاویدان به چاپ رسید.<sup>۴۰</sup> سرانجام در سال ۲۰۰۷، رضایی، فهرستی جامع‌تر درباره همان اسناد منتشر کرد که شامل اطلاعاتی درباره رقبات (اموال)، مصرف، و کیفیت و اصالت اسناد است.<sup>۴۱</sup> آرشیو اسناد برای امور اداری از سوی سازمان/وقف

تشکیل شده است و هنوز هم همین کارکرد را دارد؛ در آنجا نسخه‌های دستنویس و فتوکپی اسناد نگهداری می‌شوند.<sup>۴۲</sup> من نه تنها به اصل اسناد، بلکه به رونوشت و فتوکپی‌های آنها نیز ارجاع داده‌ام. در پیوست، فهرستی از این وقفنامه‌ها را که در بخش ششم به آنها ارجاع داده‌ام شامل نسخه‌های مختلف و شکل چاپی آنها آورده‌ام.

گروه سوم منابع، شامل اسناد متعدد دولتی است که عمدتاً شامل صورت اعداد خانه‌ها و سایر بناها، و گزارش اند. مهم‌ترین آنها مربوط به دو سرشماری ابنیه تهران مربوط به سالهای ۱۸۵۳/م ۱۲۶۹ق و ۱۹۰۰ - ۱۸۹۹/م ۱۳۱۶، ۱۳۱۷ق است. در اصل، آنها ابنیه واقع در تهران همراه با نام مالکین‌شان را پوشش داده‌اند. سرشماری سال ۱۸۵۳/م ۱۲۶۹ق که دقیق‌تر به نظر می‌رسد، اطلاعاتی راجع به انواع مغازه‌ها در اختیار ما قرار می‌دهد، حال آنکه، سرشماری ۱۹۰۰ - ۱۸۹۹/م ۱۳۱۶، ۱۳۱۷ق ظاهراً چند ملک را حذف کرده است. هر دو سرشماری در سال ۱۹۹۰م توسط سعدوندیان و اتحادیه منتشر شدند.<sup>۴۳</sup> با وجود این، برای اطمینان از درستی آنها، به نسخه‌های اصلی‌شان نیز مراجعه کردم.<sup>۴۴</sup> آنها مخصوصاً برای بررسی نقش اوقاف در جامعه شهری کاملاً مفید هستند.

فهرست‌های موجود در دربار قاجار هم‌چنین حاوی اطلاعاتی در باره املاک تهران است. فهرستی از اموال سلطنتی به تاریخ ۱۸۴۳/م ۱۲۵۹ق و فهرستی دیگر که بین سالهای ۱۸۵۱/م ۱۲۶۷ق و ۱۸۵۸/م ۱۲۷۴ق گردآوری شده‌اند، هنوز نیز وجود دارد. آنها نه تنها به اموال سلطنتی، بلکه به اموال وقفی نیز می‌پردازند.<sup>۴۵</sup> من به کتابچه ثبت قبایجات و نوشتجات موجود در خزانه مبارکه اندرونی و صندوقخانه مبارکه و جزییات اموال سلطنتی و ضبط شده در آنها دسترسی پیدا کردم.<sup>۴۶</sup> فهرست حاکی از این است که حتی پادشاهان قاجار نیز برای حفظ مایملک خود اسناد را نزد خود نگهداری می‌کرده‌اند تا حق خود را بر این املاک که به طور قانونی در محاکم شرعی تنظیم شده بود، تضمین کنند.

حکومت قاجار برای هر سال شمسی بودجه‌ای تهیه، حسابها را تسویه و دفاتر مالی را تنظیم می‌کرد. به بودجه، دستورالعمل گفته می‌شد و در هنگام تسویه حساب به آن جمع و خرج یا مفاصاحساب می‌گفتند. حسابها به سیاق نوشته می‌شد.<sup>۴۷</sup> من به دو کتابچه دخل و خرج تهران به سالهای ۱۸۴۹م/۱۲۶۵ق و ۱۸۷۰م/۱۲۸۶ق که در آنها مقدار مقرری اعطایی به *مجتهدان* همراه با درآمد وقفی‌شان که تحت نظارت حکومت دریافت می‌کرده‌اند، ارجاع داده‌ام.<sup>۴۸</sup> در کتابچه جمع و خرج سال ۱۸۸۷-۱۸۸۶م/۱۳۰۳، ۱۳۰۴ تمام ولایات از جمله تهران آمده است.<sup>۴۹</sup> لازم است تحقیقات بیشتری در باره این دفاتر مالی صورت بگیرد و این مطالعه در نوع خود اولین نمونه است که از این کتابچه استفاده کرده است.